

بن‌مایه‌های اسطوره‌ای مربوط به پرندگان در افسانه‌های لری

سودابه کشاورزی^۱، زرین تاج واردی^۲، محمود رضایی دشت‌ارژنه^۳

(دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۳ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱)

چکیده

یکی از لایه‌های درخور پژوهش در قصه‌های فولکلور، بررسی بن‌مایه اساطیری مربوط به پرندگان در افسانه است. پرندگان از گذشته‌های دور آن‌قدر برای انسان اهمیت دارند که حتی در اساطیر اقوام و ملل مختلف نیز حضور داشته‌اند. در این مقاله با روش تحلیل محتوا به بررسی بن‌مایه‌های اسطوره‌ای پرندگان در افسانه‌های لری پرداخته‌ایم. منظور از افسانه‌های لری، افسانه‌هایی است که در استان‌های لرنشین چهارمحال و بختیاری، لرستان و کهگیلویه و بویراحمد گردآوری شده‌اند. هدف از این پژوهش در وهله نخست پی‌بردن به خویشکاری‌های پرندگان در افسانه‌های لری و در مرحله بعد نشان دادن تأثیرپذیری جایگاه پرندگان از باورهای اسطوره‌ای است. در این جستار دلایل دگردیسی نقش‌های برخی از پرندگان در افسانه‌های لری در مقایسه با باورهای اساطیری بررسی شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که از مجموع ۱۴۰ افسانه لری در ۴۸ افسانه پرندگانی همچون عقاب، سیمرغ، کلاغ، جغد، قو، کبوتر و گنجشک با خویشکاری‌هایی مثبت لری حضور دارند که این مسئله می‌تواند نشان‌دهنده محبوبیت آن‌ها در میان مردم باشد. همچنین گفتنی است که باورهای اساطیری، باورهای دینی و شرایط بومی نیز بر جایگاه و خویشکاری پرندگان تأثیر داشته است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات عامیانه، افسانه‌های لری، اسطوره، بن‌مایه، پرندگان.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

*sodabekshavarzi@gmail.com

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز.

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز.

۱. مقدمه

قصه‌های عامیانه بخشی از کهن‌ترین میراث فرهنگی هر ملت به‌شمار می‌آید که به‌خوبی، آداب و رسوم و عقاید و سنت‌ها و آرزوها و تخیلات توده مردم را بازگو می‌کند. قصه‌های عامیانه به «قصه‌های کهنی اطلاق می‌شود که به‌صورت شفاهی یا مکتوب در میان یک قوم از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۷۳). افسانه‌های عامیانه را می‌توان از ابعاد و لایه‌های گوناگونی بررسی کرد. یکی از لایه‌های درخور پژوهش قصه‌های فولکلور، بررسی بن‌مایه اساطیری در افسانه است. اسطوره دین و پیش انسان ابتدایی بوده است، البته بینشی که بیشتر جنبه شهودی و نمادین دارد و از قوانین علمی متأخر به دور است (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۲: ۳۷). ژاله آموزگار (۱۳۷۴: ۴) معتقد است «اسطوره واکنشی است از ناتوانی انسان در مقابله با درماندگی‌ها و ضعف او در برابر برآوردن آرزوها و ترس او از حوادث غیرمترقبه». سرکاراتی نیز معتقد است اسطوره پنداشت‌های مشترک انسان‌ها در دورانی معین، درباره هستی، گیتی، انسان، خویش، بیگانه، آفاق و انفس است که به شکل داستان بازگو شده است (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۹۵). پرندگان از گذشته‌های دور به‌سبب ظاهر و آواز خود نظر انسان را به خود جلب کرده‌اند و آن‌قدر برای انسان اهمیت داشته‌اند که در اساطیر اقوام و ملل مختلف حضور دارند.

اسطوره‌ها دارای بن‌مایه‌هایی هستند که به ادبیات رسمی و عامیانه نفوذ کرده‌اند. بن‌مایه^۱، درون‌مایه، شخصیت یا الگوی معینی است که به‌صورت‌های گوناگون در ادبیات و هنر تکرار می‌شود (داد، ۱۳۷۱: ۵۰) و از طریق تکرار، معنایی خاص می‌یابد یا بر معنی و تأثیر خاصی تأکید می‌کند. به‌دلیل رواج باورهای اسطوره‌ای میان مردم، افسانه‌های عامیانه مأمّن بن‌مایه‌های اساطیری است، به‌صورتی که برخی از افسانه‌ها از اسطوره گرفته شده یا به گونه‌ای، اسطوره در آن‌ها تأثیر نهاده است. از این‌رو در این مقاله به بررسی بن‌مایه‌های اسطوره‌ای مربوط به پرندگان در افسانه‌های لری پرداخته می‌شود. این پژوهش به محققان کمک می‌کند تا بتوانند به تبیین قواعد و اصول مربوط به تغییر و تحولات اساطیر بپردازند.

هدف از پژوهش حاضر این است که دریابیم بن‌مایه‌های اسطوره‌ای کدام یک از

پرندگان در افسانه‌های لری بازتاب یافته است و اینکه خویشکاری پرندگان در این افسانه تا چه حد با باورهای اساطیری منطبق و همسوست. خواننده با مطالعه این مقاله درمی‌یابد اسطوره‌ها فقط متعلق به دیروز و مردمان گذشته نیستند؛ بلکه برخی از باورهای اسطوره‌ای مربوط به بعضی پرندگان با وجود گذر زمان در افسانه‌های لری جاری است.

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی درباره بن‌مایه‌های اساطیری مربوط به پرندگان در افسانه‌های عامیانه لری انجام نشده است؛ ولی آثاری در ارتباط با این موضوع به رشته تحریر درآمده است؛ از جمله:

۱. «باز در ادب و ادبیات» (قدمگاهی، ۱۳۸۳): نتایج به‌دست آمده از این مقاله نشان‌دهنده این است که باز سپید در ادبیات نمودار قدرت، بلندنظری، زیبایی، خجستگی و فال‌نیک است. در ادبیات عرفانی نیز نفس را از جهت تأدیب و تربیت به باز تشبیه کرده‌اند.

۲. «بررسی تصاویر شعری بلبل در ادبیات فارسی» (نبی‌لو، ۱۳۹۴): در این پژوهش به بررسی تصاویر شعری بلبل در آثار ۶۰ شاعران پرداخته شده است. در شعر این شاعران، بیش از ۷۴۰ تصویر متنوع از بلبل دیده می‌شود که از این میان رابطه بلبل و گل، بلبل و بستان، بلبل و ناله، بلبل و قمری، بلبل و زاغ و زغن، بلبل و چمن و بلبل و عشق در شعر آنان به‌ترتیب، بیشترین بسامد را دارد.

۳. «سرودخوان قبیله بیداری؛ واکاوی نشان‌های پرندۀ سپندگون خروس در آسمان ادب پارسی» (مقیسه، ۱۳۹۶): این مقاله به بررسی نقش خروس در ادبیات رسمی و عامیانه کشور می‌پردازد؛ ولی به بررسی نقش خروس در افسانه‌های عامیانه پرداخته نشده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که از خروس به نیکی یاد شده است و آن را دارای پنج منش از منش‌های پیامبران دانسته‌اند؛ از جمله شناخت اوقات نماز، غیرت، جوانمردی، دلاوری، وفاداری به همسر.

۴. «عقاب در اسطوره و ادبیات» (قدمگاهی، ۱۳۸۳): مؤلف در این مقاله با نگاهی به تصویرگری شاعرانه این پرنده در متون ادب رسمی پارسی بدین نتیجه رسیده است که عقاب پادشاه پرندگان و مظهر بلندپروازی، دلاوری، ربانندگی و بلندهمتی است. ناصر خسرو عمر کوتاه او را نتیجه بدخویی و ستمگری وی می‌داند.
۵. «نقد و بررسی تأثیر شعر غربی در شعر «مرگ‌قو»ی حمیدی شیرازی» (اکرمی و دهقانی، ۱۳۹۳): در این مقاله گفته شده است قو در ادبیات کلاسیک فارسی کاربردی ندارد و از طریق آشنایی با ادبیات غربی است که مضامین مربوط به این پرنده به ادبیات فارسی وارد شده است.
۶. «تحلیل و بررسی تصویر کبوتر در شعر خاقانی» (امیدعلی و بایقوت، ۱۳۹۶): از نتایج این مقاله می‌توان چنین استنباط کرد که برخی از مضمون‌پردازی‌های خاقانی با کبوتر - که متأثر از عقاید و باورهای عامیانه است - نشان از جایگاه مثبت این پرنده دارد؛ بدین صورت که «با حرم در ارتباط است، همچون در داستان حضرت نوح نامه‌رسان است و کشتن آن ثواب دارد» (امیدعلی و اصغری بایقوت، ۱۳۹۶: ۶۱-۶۲).
۷. «نماد پرنده در آثار شاعران فرانسوی قرن نوزدهم میلادی، با نگاهی به ادب فارسی» (علوی، ۱۳۸۶): در این پژوهش نویسندگان به بررسی بازسازی نماد پرنده در اشعار برجسته شاعران شهیر فرانسوی و ادب پارسی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در اشعار ادبیات فرانسه و فارسی جلوه‌های زیباشناختی پرندگان و توانایی پرواز، آوای دل‌انگیز، و چشمان نافذ پرندگان موجب برتری آنان در میان همه موجودات و توجه شاعران به آن‌ها شده است.
۸. «تطور بن‌مایه «کلاغ» از اسطوره تا فرهنگ عامه» (پارسانسب و معنوی، ۱۳۹۲): نویسندگان در این مقاله به بررسی کلاغ در افسانه‌های عامیانه نپرداخته‌اند؛ بلکه چگونگی حضور کلاغ در ادبیات فارسی با تکیه بر قصه‌های کهن ادب رسمی (مانند *مرزبان‌نامه*، *کلیله و دمنه*، *فرائدالسلوک*، *مثنوی معنوی*، *بهارستان جامی* و ...) و همچنین ادبیات عامیانه اعم از باورها، کنایات و ضرب‌المثل‌ها مطالعه شده است. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که کلاغ شخصیتی دوگانه دارد؛ گاه شخصیتی مثبت دارد و گاه نیز نقش‌هایی منفی دارد (پارسانسب و معنوی، ۱۳۹۲: ۸۳-۸۴).

۹. «کلاغ در ادب فارسی» (تاج‌بخش و فرجی‌فرقانی، ۱۳۸۸): در این جستار به بازتاب واژه «کلاغ» و ویژگی‌های او در متون عرفانی و دینی و امثال و حکم اشاره‌هایی شده و طی یک نتیجه‌گیری کلی مشخص شده که کلاغ در ادب فارسی شخصیتی منفور و منفی است. البته انگشت‌شمارند مواردی که به چشم دیگری به او نگریسته‌اند و صفات پسندیده سحرخیزی، توکل و دلاوری را به او نسبت داده‌اند.
۱۰. «مرغ شو در باورهای کهن مردم جنوب کرمان» (جعفری قریه و احمدی زاده‌کهن، ۱۳۹۶): بستر پژوهشی این مقاله باورهای کهن مردم جنوب کرمان است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مرغ شو در باور مردم جنوب کرمان درواقع، پرنده‌ای اسطوره‌ای است که با گذشت زمان و تغییر فرهنگ‌های گوناگون از شکل ایزد شر به مرغ شو تبدیل شده است (جعفری قریه و احمدی‌زاده‌کهن، ۱۳۹۶: ۳۰ - ۳۱).
۱۱. «سیمرغ در ادبیات عامیانه ایران» (رویانی، ۱۳۹۶): بستر پژوهشی این مقاله شامل افسانه‌های لری نیست. در این مقاله به شفابخشی سیمرغ، ویژگی‌های جادویی پر او، ایستادگی‌اش در برابر دیو و ازدها اشاره شده است.

۳. روش پژوهش

نگارندگان در این پژوهش با روش تحلیل محتوا به بررسی جایگاه پرندگان در افسانه‌ها و تأثیرپذیری آن‌ها از باورهای اساطیری مربوط به پرندگان پرداخته‌اند؛ بدین صورت که ضمن ارائه توصیفی از جایگاه پرندگان در افسانه‌های لری به تحلیل چگونگی تأثیرپذیری آن‌ها از باورهای اسطوره‌ای پرداخته شده و همچنین دلایل دگرذیسی جایگاه پرندگان در افسانه‌ها به نسبت باورهای اساطیری بیان شده است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت نقش و خویشکاری پرندگان در افسانه‌های لری بررسی شده و با باورهای اساطیری تطبیق داده شده است. همچنین افسانه‌های لری‌ای که پرندگان در آن حضور دارند معرفی و در پایان میزان حضور هر کدام از پرندگان در قالب نمودار مربوط بسامد حضور پرندگان در افسانه‌های لری مشخص شده است.

۴ - ۱. عقاب

عقاب نزد ایرانیان همواره مورد توجه بوده و نشان تمام خدایان آسمان و نماد قدرت و توانایی بوده است

عقاب در آثار دینی زرتشتیان همیشه مورد تکریم بوده است. در *اوستا* از مرغ ستن یاد شده و چنین می‌نماید که ستن همان سننه سانسکریت یعنی عقاب است. بی-تردید بسیاری از مرغان اسطوره‌ای که از آنان یاد شده مرغان اسطوره‌ای چون سیمرغ، هما، وارغن، چموش، نمودی از عقاب‌اند، مستقیم یا غیرمستقیم با عقاب پیوند دارند (هینلز، ۱۳۷۳: ۴۵۱).

دال را در فرهنگ‌های فارسی عقاب گرفته‌اند (پورداوود، ۱۳۸۰: ۲۹۹). در چهارمحال و بختیاری، لرستان و کهگیلویه و بویراحمد نیز دال را همان عقاب می‌دانند. دال در افسانه «بُووقش (جغد)ها و شاه خورشید» از استان لرستان به‌عنوان یکی از شخصیت‌های داستانی حضور دارد. خلاصه این افسانه بدین شرح است:

دیوها خود را به شکل جغد درآوردند و به شهر شاپور حمله کردند. آن‌ها همه خروس‌های شهر را کشتند و به درون قلعه محکم شهر رفتند. دیوها روزها می‌خوابیدند و شب‌ها بیدار بودند و به عیش می‌پرداختند. فقط یک خروس زنده مانده بود که خبر حمله دیوها را به کبوتر رسانید. کبوتر به دال طلایی اطلاع داد. دال طلایی نیز به پهلوان خورشید پری از خود داد و او را روانه شهر کرد. پهلوان خورشید - که روزها بیدار بود و شب‌ها می‌خوابید - به شهر رفت، در قلعه را گشود و پر دال طلایی را سوزاند. دال طلایی به همراه لشکریانش به قلعه آمد و هنگامی که جغدها در خواب بودند آن‌ها را اسیر کردند و پهلوان خورشید را به‌عنوان شاه شهر شاپور برگزیدند (بیرانوند، ۱۳۹۲: ۱۶۵-۱۶۶).

این افسانه متأثر از آیین میترائیسم است، در آیین میترا از عقاب به‌عنوان یک نماد کمال برای عالی‌ترین سیر مرحله عرفانی یاد شده است. مدارج روحانی در آیین میترا هفت درجه یا هفت منصب و مقام است: نخست مقام کلاغ که آن را پیک نیز می‌گفتند، دوم مقام کری‌فیوس یا پنهان و پوشیده، سوم مقام سرباز، چهارم مقام شیر، پنجم مقام پارسی، ششم مقام خورشید، هفتم مقام پدر یا پدر پدران. در آیین میتراپی مقام پیر یا

بن‌مایه‌های اسطوره‌ای مربوط به پرندگان ... _____ سودابه کشاورزی و همکاران

پدر با اسناد عقاب نیز شناخته می‌شود. به این معنی که نهایی‌ترین مقام ارتقایی میتراپی، مقام عقاب بود (رضی، ۱۳۸۱: ۵۷۳-۵۷۴).

در افسانه «بُوَوقَش (جغد)ها و شاه خورشید» چند گزاره مطرح شده است که ما را به ارتباط دال و ایزد مهر رهنمون می‌کند. این گزاره‌ها عبارت‌اند از:

۱. دال طلایی به کمک پهلوان خورشید می‌شتابد.
۲. پهلوان خورشید روزها فعالیت می‌کند و شب‌ها می‌خوابد.
۳. دیوها روزها می‌خوابند و شب بیدار می‌شوند.
۴. پهلوان خورشید، پری از دال طلایی سوزاند.

ایزد مهر در *اوستا* به صورت روشنی آسمان پس از صبح صادق و قبل از طلوع خورشید است که بعدها به دلیل مجاورت با خورشید، مهر به خورشید نیز گفته شده است. انتخاب نام خورشید برای پهلوانی که در هنگام روز به نبرد با دیوان شب‌کار می‌رود، نشان‌دهنده آن است که پهلوان خورشید دوستدار روشنایی است. از طرف دیگر حضور دال (عقاب) برای نابودی دیوها بعد از تلاش و تکاپوی پهلوان خورشید (به عنوان سمبل خورشید) در نبرد با دیوها به خوبی نشان‌دهنده بازتاب باورهای میترائیسم در این افسانه است؛ زیرا همان‌طور که قبلاً گفته شد ششمین مقام از مراحل هفت‌گانه آیین مهرپرستی خورشید و آخرین مقام، مقام عقاب (دال) است. در این افسانه نیز دال طلایی به عنوان آخرین ضربه سبب نابودی دیوان می‌شود؛ بدین صورت که پهلوان خورشید راه قلعه را می‌گشاید و دال طلایی نیز به عنوان تکمیل‌کننده این نبرد وارد صحنه می‌شود و ظلمت دیوان را از شهر محو می‌کند. هنگامی که زردشت از اهورامزدا راه چاره را در برابر از بین بردن جادوی جادوگران و سحر ساحران جویا می‌شود:

آنگاه اهورامزدا چنین گفت ای زردشت! پری از مرغ وارَعَن بزرگ شهر به دست آوری و آن را بر تن خود بمالی و با آن پر جادوی دشمن را ناچیز کن. کسی که استخوانی یا پری از این مرغ دلیر با خود دارد، هیچ مرد تخمه‌ای (دلیری) او را از جای به در نتواند برد و نتواند کشت. آن پر مرغکان مرغ بدان کس یاری برد و بزرگواری و فر بخشد. آن کس که این پر با اوست همه از او بترسند ... (پوردادود، ۱۳۷۷: بند ۳۵-۳۶-۳۸).

چنان که مشهود است هم درمانگری پر مرغ وارغَن و هم اینکه هر که پر او را با خود داشته باشد، بر مشکلات چیره خواهد شد، متبادرکننده سیمِرخ و کارکیایی او در شاهنامه و متون حماسی است. پر دال در افسانه «هرمز و دال طلایی» از استان لرستان نیز خاصیت درمان بخشی دارد.

در افسانه «بُوقش (جغد)ها و شاه خورشید» ویژگی خاص پر سیمِرخ در شاهنامه - که بعد از سوزندان پر از سوی زال، سیمِرخ ظاهر می شد - به دال طلایی نسبت داده شده است، در افسانه «دختر دال» از استان لرستان نیز دال حضوری مؤثر دارد. در این افسانه خویشکاری دال به دلیل بزرگ کردن دختر دال با نقش سیمِرخ در پرورش زال شباهت دارد. به دلیل آنکه شخصیت اصلی داستان - دختر دال - توسط دال پرورش یافته، دختر دال نامیده شده است. همچنین درختی که دال بر آن آشیانه دارد درختی معمولی نیست؛ زیرا هر وقت دختر بگوید «چنار سرزیر» چنار او را به پایین می آورد و هرگاه بگوید «چنار سربالا» او را به بالای درخت می برد. نزدیکی درخت به رودخانه و ویژگی خاص درخت نیز یادآور درخت همه تخمه و درمانگر ویسپویش در اوستا است که متعلق به سیمِرخ است. در رشن یشت بند ۱۷ می خوانیم:

اگر هم تو ای رشن اشو در بالای آن درخت سیمِرخ که در وسط دریای فراخکرت برپاست آن (درختی که) دارای داروهای نیک و داروهای مؤثر است و آن را ویسپویش (همه را درمان بخش) خوانند و در آن تخم های کلیه گیاه ها نهاده شده است ما تو را به یاری می خوانیم! (همان، ۵۷۳).

همان طور که مشاهده شد برخی از ویژگی های پرنده اسطوره ای سیمِرخ مثل احضار شدن او از طریق سوزاندن پر و یا پرورش دادن زال از دوران نوزادی به دال نسبت داده شده است. کارکرد دال در افسانه های «بُوقش (جغد)ها و شاه خورشید» و «دال طلایی و هرمز» به دلیل آنکه دال در جبهه نیروی خیر مقابل دیو قرار می گیرد کارکردی پهلوانی است. در افسانه «دختر دال» خویشکاری دال، یاری دادن شخصیت محبوب افسانه است؛ چون دال، دختر را از نوزادی به عنوان دایه پرورش می دهد. علاوه بر افسانه های مذکور در افسانه لری «شاه عباس و کریم دریایی» نیز دال یاریگر شخصیت داستان

است. بنا بر مطالب ذکرشده عقاب در ۴ افسانه لری به‌عنوان شخصیت داستانی حضور دارد که اسامی آن‌ها در این قسمت آورده شد.

گفتنی است نقش و کارکرد عقاب در افسانه‌های لری با خویشکاری این پرنده در حکایت‌های فارسی متفاوت است. آن‌گونه که بررسی‌های تقوی در کتاب *حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی* نشان می‌دهد عقاب در حکایت «عقاب‌ها و سمندران»، «کبوتران و عقاب» و «حکایت عقاب» شخصیتی ظالم و کوتاه‌فکر دارد (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۵۶، ۲۵۶ و ۲۷۸).

۴-۲. سیمرغ

در *اوستا* سیمرغ یکی از پرندگان مقدس و آسمانی است که به دیدار اهورامزدا می‌رود. در *گزیده‌های زاد‌سپرم* بخش ۲۳ بند ۲ سیمرغ نیز همانند آدمیان از اهورامزدا دین می‌پذیرد و اهورامزدا برای بزرگداشت این پرنده سفارش می‌کند. خویشکاری‌های سیمرغ در افسانه‌های عاشقانه لری عبارت‌اند از: نزاع با مار و اژدها، یاری رساندن به قهرمان افسانه، احضار شدن سیمرغ با سوزاندن پر و درمان‌بخشی پر سیمرغ.

سیمرغ در افسانه «علی‌شیرزا و علی‌میرزا» از استان کهگیلویه و بویراحمد به‌عنوان شخصیتی یاریگر حضور دارد. علی‌شیرزا برای جلب محبت سیمرغ به نبرد با اژدهایی می‌رود که جوجه‌های سیمرغ را از بین می‌برد. اژدهاکشی در این افسانه متأثر از آیین مهر است؛ زیرا تا ظهور زرتشت، اژدهاکشی یکی از نشانه‌های آیین مهری است. «در مراسم مهری، پیر یا مرشد در نمایشی آیینی، اژدها را با گرز خود می‌کشد» (بیدمشکی، ۱۳۸۳: ۱۲۴). همچنین ظهور مهرپرستی در ایران بلافاصله پس از افول استیلای مار و اژی‌دهاک رواج می‌یابد که نشان انتقال قدرت از اهریمن به خداوند مهر است. در حماسه بزرگ ایرانیان نیز برپایی جشن مهر و آغاز مهرپرستی به فریدون نسبت داده شده است. «او پس از پیروزی بر ضحاک (اژی‌دهاک) و به بند کشیدن او در کوه البرز، این جشن را بنا نهاد» (شریفیان و غفوری، ۱۳۸۷: ۱۳۷). سرکاراتی نیز معتقد است «گونه اساطیری اژدهاکشی محتوای دینی و آیینی دارد و اغلب با رویدادهای کیهانی، با معتقدات مربوط به آفرینش و رستاخیز مرتبط است» (۱۳۷: ۱۳۵۷). بر این اساس می‌توان گفت ریشه اصلی نزاع سیمرغ و اژدها در این افسانه نیز متأثر از مفهوم تقابل اهورایی و

اهریمنی سیمِرخ و اژدهاست. علی شیرزا شخصیت قهرمان افسانه است که درصدد شکست دادن شخصیت‌هایی منفی مانند مرد فلاخنی، مرد کماندار، مرد نفس آتش و اژدهاست.

این درون‌مایه که پهلوانی به کمک سیمِرخ می‌شتابد و اژدهایی را می‌کشد که قصد خوردن جوجه یا تخم سیمِرخ را دارد در *سام‌نامه* نیز آمده است:

مرا نام سیمِرخ کرده خدای	همان شاه مرغانم ای پاک رای
بدین چنگ و منقار و این پر و بال	که گویی ندارم به گیتی همال
ولیکن مرا دشمنی هست سخت	که لرزانم از بیم او چون درخت
به فرمان دادار پروردگار	یکی بچه آرم به سالی هزار
ولیکن ازین ارقم بد لقا	برآید به جادو چو نر اژدها
سه نوبت مرا بچه خورده ست پیش	نتابم بدان جادوی تیره کیش
اگر دشمنم را درآری ز پای	به فرمان دادار فرمان‌روای
کنم با تو پیمان و عهد درست	کزو برنگردم چو عهد درست
که نیکی نمایم به پیوند تو	بوم بنده در پیش فرزند تو
ستایش کنم مر تو را شب و روز	پس از پاک یزدان گیتی‌فروز

(خواجوی کرمانی، ۱۳۹۲: ۴۲۷)

نکته دیگری که سیمِرخ را در افسانه‌های «علی شیرزا و علی میرزا» و «یک وجب قد و چل گز ریش» به آیین مهری مربوط می‌کند انتقال قهرمانان افسانه توسط سیمِرخ از زیر زمین یا جهان تاریکی به روی کره زمین یا دنیای روشنی است. خلاصه افسانه «یک وجب قد و چل گز ریش» از استان لرستان بدین شرح است:

دیو، دختر پادشاه را می‌رباید و با او ازدواج می‌کند. دختر از دیو صاحب فرزند پسری به نام گُنه می‌شود پادشاه (پدر بزرگ گنه) از شجاعت گنه خوشش می‌آید و او را به چین می‌فرستد تا دختر پادشاه چین و ماچین را برایش بیاورد گنه به همراه سه پهلوان بر سر چاهی می‌رسند که دختر در آن بود. گنه داخل چاه می‌رود می‌بیند دختر اسیر دیوی است. دیو را می‌کشد و دختر را با طناب بالای چاه می‌فرستد. سه پهلوان به محض دیدن دختر عاشقش می‌شوند؛ به همین دلیل وقتی که گنه در حال بالا آمدن از چاه است طناب را پاره می‌کنند. گنه در چاه بر پشت قوچ سیاهی می‌افتد، قوچ سیاه او

را به جهان تاریکی می‌برد. در آن‌جا نزد سیمرغ می‌رود و با کشتن ازدهایی که قصد حمله به جوجه‌های سیمرغ داشت محبت سیمرغ را به خود جلب می‌کند. به همین دلیل سیمرغ او را بعد از هفت شبانه‌روز به جهان روشنایی می‌برد (درویشان و خندان، ۱۳۸۶: ۱۹/۶۱۵-۶۲۶).

در این افسانه به‌طورمستقیم به دسترسی سیمرغ به جهان روشنی اشاره شده است: «حاکم که مجذوب سخنان و اعمال پهلوانی گنله شده بود، گفت: «فقط سیمرغ می‌تواند تو را از سرزمین سیاه به جهان روشن ببرد» (همان، ۶۲۴).

مهر نیز خدای روشنی است که با اهریمن و تاریکی در جدال است و اولین روشنایی قبل از طلوع خورشید، ایزد مهر است که نشان پایان یافتن شب و تاریکی است.

در افسانه‌های «علی‌شیرزا و علی‌میرزا»، «سه برادر» و «یک وجب قد و چل گز ریش» مدت زمانی که طول می‌کشد قهرمان داستان به‌وسیله سیمرغ به روی زمین یا جهان روشنی برسد، هفت روز است. هفت عددی است که در آیین مهرپرستی نماد به کمال رسیدن است. همان‌طور که قبلاً ذکر شد مدارج روحانی در آیین مهرپرستی هفت مرحله است. در این افسانه‌ها نیز برای رسیدن به جهان روشنایی باید هفت شبانه‌روز بگذرد. بنابراین در افسانه‌های مذکور، اسطوره سیمرغ با باورهای مهرپرستی آمیخته شده است، در حالی که افسانه‌ها کارکردی پهلوانی - عاشقانه دارند.

خویشکاری دیگر سیمرغ در افسانه «علی‌شیرزا و علی‌میرزا» درمان‌بخشی اوست. چنین خویشکاری سیمرغ به‌دلیل مجاورت با درخت ویسپوبیش در اساطیر است. خویشکاری دیگر سیمرغ در افسانه‌ها سوزاندن پر سیمرغ و احضار اوست؛ در افسانه «حاتم براه» از استان لرستان سیمرغ چنین خویشکاری‌ای دارد. در شاهنامه نیز زال هر وقت به‌کمک سیمرغ نیاز داشت پر او را می‌سوزاند.

علاوه بر افسانه‌های مذکور در افسانه‌های لری «سه برادر»، «ملک‌جمشید و چهل‌گیسوبانو»، «حاتم‌براه»، «گندل‌آقا و ده گز بالا و بیست گز بالا و سی گز بالا»، «گل به صنوبر چه کرد» و افسانه «هات و نه‌هات» نیز سیمرغ به‌عنوان یاریگر قهرمان نقش‌آفرینی می‌کند. در افسانه کردی «دختر پادشاه و پسر درویش» و افسانه آذربایجانی

«ملک محمد» سیمرغ به قهرمان افسانه یاری می‌کند و او را به مملکت خود می‌رساند؛ با این تفاوت که در این افسانه‌ها سیمرغ بعد از چهل روز قهرمان را به سرزمینش می‌برد.

۴ - ۳. کلاغ

کلاغ در میترائیسم پیام‌آور برگزیده اهورامزداست. آسمان در این آیین، به صورت غاری در نظر گرفته شده و میترا - که مظهر خورشید و روشنایی است - باید با کشتن گاوی که در آن غار مسکن دارد، ستارگان، درخت‌ها و حیوانات و پدیده‌های دیگر جهان را از آن بیرون کشد. اهورامزدا کلاغ را می‌فرستد که راه کشتن گاو را به میترا بیاموزد و در این امر یاری‌اش دهد. به همین سبب از هفت مرحله میترائیسم، مرحله اول که بیشترین پیروان را دارد، مرحله کلاغ نامیده شده است (کریستن‌سن، ۱۳۸۳: ۱۲۶).

در افسانه‌های «بی‌نار جهون‌شاه» از استان کهگیلویه و بویراحمد، «هفت برادران» از استان چهارمحال و بختیاری و «هفت برادر و یه دوو» از لرستان، کلاغ به عنوان یکی از شخصیت‌های داستانی حضور دارد. این پرنده در هر دو افسانه کنش یکسانی دارد؛ بدین صورت که کلاغ شخصیت‌های اصلی افسانه را - که دختر هستند - از مکانی به مکان دیگر منتقل می‌کند. این دختران از برادران خود دور هستند و به دلیل علاقه زیادی که به آن‌ها دارند با کمک کلاغ نزد آن‌ها می‌روند. برای تشریح این نکته خلاصه افسانه «بی‌نار جهون‌شاه» ذکر می‌شود:

بی‌نار جهون‌شاه از هفت برادر خود دور است. از کلاغی می‌خواهد او را نزد برادرانش ببرد. کلاغ خواسته او را برآورده می‌کند و او را نزد برادرانش می‌برد. برادرها او را با آغوش باز می‌پذیرند. وقتی برادرها خانه نبودند دیو به سراغ دختر می‌آید و خون او را می‌مکد. دختر بیهوش می‌شود. برادرها جسد بیهوش خواهرشان را نزد طبیب بردند تا به هوش آمد، سپس با نقشه‌ای دیو را از بین بردند. برادر بزرگ نیز با زن دیو ازدواج کرد. زن دیو به برادرانش گفت خواهرتان حامله شده است باید او را سربه‌نیست کنید. آن‌ها نیز دختر را به بیابانی بردند و او را رها کردند. پسر پادشاه او را دید و عاشقش شد و با او ازدواج کرد (درویشیان و خندان، ۱۳۸۴: ۵۳۵/۱۷-۵۴۲).

در قسمت سیمرغ گفته شد که در برخی از افسانه‌ها، سیمرغ قهرمان داستان را از زیر زمین یا جهان تاریکی به جهان بالا و روشنی منتقل می‌کند و بعد از آن گره‌گشایی در افسانه روی می‌دهد. ولی در افسانه‌هایی که کلاغ شخصیت اصلی را از مکانی به مکان دیگر منتقل می‌کند، گره‌های افسانه بعد از حضور کلاغ روی می‌دهد. همین مسئله نشان می‌دهد کلاغ در این افسانه تا حدودی متأثر از باورهای آیین مهری است؛ زیرا در آیین مهرپرستی نیز اولین مرحله از مدارج روحانی مرحله کلاغ است. همچنین کلاغ در آیین مهرپرستی راه کشتن گاو را به میترا نشان می‌دهد. در این افسانه نیز راه رسیدن به هفت برادر را به دختر نشان می‌دهد. بنابراین خویشکاری یاریگری و راهنمایی در هر دو افسانه حفظ شده است. کارکرد اسطوره کلاغ در آیین میترا دینی است؛ اما کارکرد کلاغ در افسانه «بی‌نار جهون‌شاه» یاریگری بی‌نارجهون‌شاه برای رسیدن به برادرانش است. علاوه بر افسانه‌های یادشده، کلاغ در افسانه‌های لری «گرگ و روباه»، «مورچه و کلاغ» و افسانه «اسکندر و آب حیات و شویی» شخصیت حیوانی یا پرندگی خود را دارد.

در افسانه «بابا خارکن» از استان فارس، افسانه کردی «دختر پادشاه و پسر درویش» و «کلاغ و جفتیار» کلاغ با قدرت مافوق طبیعی خود یاریگر قهرمان افسانه است.

۴-۴. خروس

خروس از جمله پرندگان اساطیری در فرهنگ ایرانی به‌شمار می‌آید که نماینده ایزد سروش است (پوردادود، ۱۳۸۰: ۱۶-۱۸؛ همو، ۱۳۷۷: ۱۱-۱۳). در دفع نیروهای خبیث در شب، سروش با پرندۀ اش خروس همراه است (Anklesaria, 1956: 203; Haug & West, 1872: 215).

در افسانه «بُووَقْش» (جغد)ها و شاه خورشید» نیز دیوها خود را به‌شکل جغد درمی‌آورند و دژ محکم شهر شاپور را فتح می‌کنند. در این نمونه نیز دیوها در پیکر جغد همه خروس‌های شهر را کشتند: «به روزگارانی نه‌چندان دور، دیوها خود را به‌شکل «بُووَقْش» (جغد)ها درآورده و به شهر شاپور و دژ محکم آن حمله کردند و همه خروس‌های شهر را گرفته و کشتند» (بیرانوند، ۱۳۹۲: ۱۶۵).

دیو نیرویی اهریمنی است که دشمن روشنایی و بیداری است، به این دلیل تمام خروس‌های شهر را می‌کشند؛ زیرا خروس بشارت‌دهنده روشنایی است. در فرگرد ۱۸ وندیداد نیز از خروس به‌عنوان مرغی اهورایی و گماشته ایزد سروش بر روی زمین نام برده شده است که وظیفه‌اش بیدار کردن مردمان و دور نگه‌داشتن دیو بوشاسب است (رضی، ۱۳۸۵: ۹۲۲). از این رو، کشته شدن خروس‌ها به دست دیوان بن‌مایه‌ای اسطوره‌ای است که در این افسانه راه یافته است.

در ادامه افسانه، خروس از کبوتر می‌خواهد خبر حمله دیوان را به دال طلایی برساند تا دال طلایی به آن‌ها کمک کند. خروس در این‌جا با مشارکت فعال در جنگ دیوان با شاه‌خورشید و دال طلایی، خویشکاری اسطوره‌ای خود را دارد. در این افسانه کارکرد حماسی اسطوره خروس حفظ شده است. نکته دیگر این است که دشمن گیمن و ویدن‌گرن ایزد سروش را با اریارمنه تطبیق می‌دهند که درواقع به گونه‌ای همکار و دستیار مهر بوده است (مولایی، ۱۳۸۸: ۶۴۴). در افسانه مذکور نیز همکاری و دستیاری خروس با دال طلایی (نماد ایزد مهر) برای نابودی تاریکی و نیروهای اهریمنی مشهود است.

خروس در افسانه‌های لری «پادشاه و هفت فرزندش»، «تی لنگک»، «کاکیک و خروس» و افسانه «هرمز و دال طلایی» به‌عنوان یاریگر قهرمان با نیروهای اهریمنی در نبرد است. در افسانه «دو عروس» از استان مازندران و افسانه آذربایجانی «محمد چوپان» نیز خروس شخصیت یاریگر است.

۴-۵. جغد

جغد در اساطیر پرنده‌ای اهورایی است. در وندیداد از پرنده‌ای به نام اشوزوشت نام برده شده است که بارتولومه «اشو» را جغد می‌داند و معتقد است «اشوزوشت» به معنی «محبوب اشو» است (Bartholomae, 1904: 259). در فرگرد ۱۷ بند ۹ وندیداد از این پرنده هنگامی نام برده می‌شود که به مردم سفارش می‌شود بعد از کوتاه کردن ناخن و دور ریختن آن نیایشی را خطاب به این مرغ بخوانند تا دیوان از این خرده‌های ناخن دوری کنند و از آن برای خود سلاح نسازند. به همین دلیل ناخن‌ها به اشوزوشت

تقدیم می‌شود تا وی از آن‌ها به‌عنوان سلاحی در برابر دیوان استفاده کند (رضی، ۱۳۸۵: ۸۶۵). همچنین «بخشی از /وستا در زبان او آفریده شده است، هنگامی که بخواند، دیوان از او گریزند و (در) آن‌جا بُنه نکنند و بدان روی، (جغد) بُنه در بیابان کند و در ویرانستان باشد تا دیوان آن‌جا بُنه نکنند» (دادگی، ۱۳۶۹: ۱۵۳).

در افسانه «بُووَقْش (جغد)ها و شاه خورشید» دیوها به پیکر جغد درمی‌آیند و به شهر شاپور حمله می‌کنند. پیکرگردانی دیو به جغد در این افسانه دو دلیل می‌تواند داشته - باشد: نخست اینکه جغد به‌دلیل شب‌رو و پگاه‌رو بودن به‌عنوان نماد تاریکی در نظر گرفته شده است و دیو - که خواهان گسترش تاریکی و ظلمت است - نزد مردم در هیئت جغد تجسم شده است. دوم اینکه ممکن است در باورهای اسطوره‌ای و آیینی مربوط به جغد ریشه داشته باشد که در فرگرد ۱۷ بند ۹ وندیداد به آن اشاره شده است. براساس فعل جمله «دیوها خود را به‌شکل «بُووَقْش» (جغد)ها درآورده» به‌نظر می‌رسد دلیل دوم صحیح باشد؛ زیرا این فعل حاکی از عمل پیکرگردانی دیوها به جغد است. به احتمال زیاد به علت تقدس جغد، دیوان خود را به پیکر آن درآورده‌اند تا به‌راحتی بتوانند شخصیت‌های افسانه را فریب دهند. در حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی خلاف افسانه مذکور جغد پرنده‌ای کوتاه‌فکر است که صاحب‌بصیرتان را نیز با خود قیاس می‌کند (تقوی، ۱۳۷۶: ۳۴۱، ۳۴۸).

در افسانه «حضرت سلیمان و جغد کوچولو» از افسانه‌های مردم عرب خوزستان نیز جغد پرنده‌ای عاقل و حاضر جواب است که سبب می‌شود حضرت سلیمان^(ع) به پرندگان آسیب نرساند.

۴ - ۶. کبوتر

کهن‌ترین روایات درباره کبوتر به زمان حضرت نوح مربوط می‌شود. اسطوره‌های کهن نشان می‌دهد که کبوتر را پیک ناهید نیز می‌نامیدند و مجسمه‌هایی که از کبوتر در خوزستان و جاهای دیگر ایران پیدا شده است همگی رمزی از ناهیدند (یاحقی، ۱۳۸۸: ذیل «کبوتر»).

در سه داستان در ارتباط با پیامبران اولوالعزم، کبوتر و جایگاه او تبلور خاصی داشته است. این داستان‌ها عبارت‌اند از: داستان حضرت نوح^(ع) و کبوتر پیام‌آور، داستان

حضرت ابراهیم^(ع) و چهار مرغ و داستان حضرت محمد^(ص) در غار ثور. کبوتر در داستان‌ها به سبب خویشکاری‌اش پرنده‌ای محبوب است.

در افسانه‌های لری «آه» و «پیرمرد خارکش و مرغ تخم‌طلا» از استان کهگیلویه و بویراحمد به خاصیت درمان‌بخشی درختی که کبوتر بر آن آشیانه دارد اشاره شده است. به نظر می‌رسد درمان‌بخشی درختی که کبوتر بر آن آشیان دارد متأثر از ویژگی درمان‌کنندگی درخت ویسپوبیش باشد. در افسانه «هرمز و دال طلایی» کبوتر خویشکاری پیغام‌رسانی دارد. او خبر حمله دیوان را به پهلوان هرمز می‌رساند. هم‌چنین به نظر می‌رسد تحت تأثیر داستان حضرت نوح^(ع)، کبوتر در این افسانه لری پیک مخصوص خبررسانی به دال طلایی است؛ زیرا در افسانه «بُوقش (جغد)ها و شاه خورشید» خروس شهر به دنبال کبوتری می‌گردد تا خبر حمله دیو به شهر را به دال طلایی برساند.

در افسانه‌های «ددوی فقیر و ددوی مال‌دار» از استان لرستان و «دو خواهر» از استان چهارمحال و بختیاری پرنده کبوتر قدرت مافوق‌طبیعی دارد؛ مثلاً با چرخش دور خود، قصری برای خواهر فقیر درست می‌کند و به نوزاد دختر توانایی‌های خاصی می‌بخشد. می‌توان گفت کبوتر متأثر از داستان‌های دینی به عنوان پرنده‌ای مقدس در افسانه‌ها حضور دارد و به دلیل این تقدس، گاه خویشکاری پرنده اسطوره‌ای سیمرغ نیز به او نسبت داده شده است. در حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی نیز کبوتر شخصیتی مثبت دارد؛ به صورتی که گاه قهرمانی رهبر و گاه قهرمانی مطیع و مظلوم است (تقوی، ۱۳۷۶: ۱۵۶، ۲۱۸).

علاوه بر افسانه‌های لری یادشده کبوتر در افسانه‌های «چشم انسان»، «پادشاه دل‌رحم»، «دسته گل قهقهه»، «هفت برادران»، «ملک جمشید و ملک خورشید»، «کرکچل و سه کبوتر»، «دیو پوشا و شهر شاپور»، «ملک‌ناز و خورشیدآفرین»، «قنبر خوش‌شانس» و افسانه «خون برف» یاریگر قهرمان افسانه است. در افسانه‌های «بی‌بی ناردونه» و «دو عروس» از استان مازندران، «دختران انار» از استان آذربایجان و افسانه‌های کردی «حیلۀ تاجر»، «محمد و مقدم» و افسانه «درویش» نیز کبوتر همین نقش را برعهده دارد.

۴ - ۷. قو

در افسانه «دختر پادشاه و پسر لر» از استان لرستان پرنده قو به‌عنوان شخصیت داستانی یاریگر حضور دارد. خلاصه افسانه بدین صورت است:

پسر لر نزدیک جوی آب رفت تا مقداری آب بیاورد. در آن‌جا متوجه سوراخی شد که هر چند دقیقه یک‌بار از آن قطره‌ای خون می‌چکید و به دانه شب‌چراغی تبدیل می‌شد. پسر لر راه سوراخ در پیش گرفت و وارد قلعه‌چه‌ای شد. در آن‌جا دختر زیبایی را بر تخت دید که دیو سرش را از تنش جدا کرده بود. دیو را کشت و با دختر ازدواج کرد. او با دانه‌های شب‌چراغی که کنار جوی آب جمع کرده بود ثروتمند شد. معمار قصرش به پادشاه گفت پسر لر دو همسر زیبا دارد که لایق همسری شما هستند. پادشاه نیز برای تصاحب همسران پسر لر او را احضار کرد و به او گفت باید نامه‌ای برای پدر و مادر پادشاه در دنیای دیگر ببرد. دختری که از دست دیو نجات یافته بود پسر لر را نزد دو قو فرستاد تا از آن‌ها یاری بخواهد. قوها نیز به پسر لر گفتند به پادشاه بگویند آتش بزرگی روشن کند تا او وارد آتش شود و از این طریق به جهان دیگر برود. پادشاه با خوشحالی این کار را انجام داد. وقتی پسر لر داخل آتش شد، قوها او را از آتش بیرون آوردند و نامه‌ای با خط پدر و مادر پادشاه به او دادند تا به پادشاه بدهد. در نامه نوشته شده بود که پادشاه به دیدار پدر و مادرش برود. پادشاه نیز آتشی روشن کرد و درون آتش رفت تا مانند پسر لر به آن دنیا برود؛ ولی در آتش سوخت. درنهایت پسر لر به‌جای پادشاه بر تخت شاهی نشست (درویشیان و خندان، ۱۳۸۲: ۱۸۷/۵-۱۹۳).

ارتباط با جهان مردگان از طریق برافروختن آتش در این افسانه می‌تواند متأثر از آتش اساطیری منسوب به ایزد بهرام باشد. آتش بهرام در جدال‌های میان ایزدان و دیوان برای به‌دست آوردن روان پس از مرگ نیز از روان پشتیبانی می‌کند:

چون مردم درگذرند (= بمیرند)، سه شب، روان به نزدیک تن، آن‌جای که او را سر بود، نشیند. آن {سه} شب از ویزرش دیو و همکاران وی بس حمله بیند و پشت همی باز به آتش کند که آن‌جا افروخته است. از آن روی است که آن سه شب را تا روز، آنجا که سر او بود، آتش را به افروزش دارند. اگر آن آتش نیست پشت باز به آتش بهرام یا آتشان هم‌فروغ کند. اندر آن سه شب که تباهی و آشوب به تن رسد، آن‌گاه او

را ایدون دشوار نماید که مردی را خانمانش برکنند. آن سه روز روان به بالین تن بدان امید نشیند که خون تازد (بهار، ۱۳۸۱: ۳۳۶). بنابراین قو در این افسانه دارای خویشکاری یاریگری به قهرمان افسانه (پسر لر) است و کارکرد آن با باورهای اساطیری آمیخته است.

۴- ۸. گنجشک

گنجشک‌ها را نزدیک‌ترین حیوان وحشی به انسان توصیف می‌کنند. در افسانه «ملک-جمشید و ملک‌خورشید» از استان لرستان گنجشک نقش‌آفرینی می‌کند خلاصه افسانه به شرح زیر است:

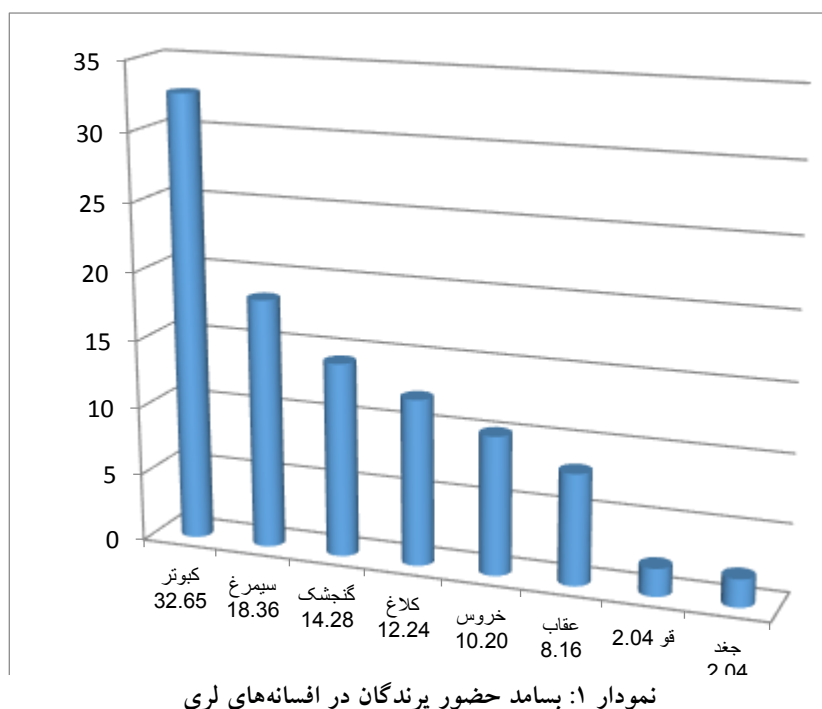
ملک‌جمشید در کنار رودخانه‌ای به گاوی می‌رسد، گاو درون قلعه‌ای می‌رود. ملک‌جمشید هم به دنبال گاو می‌رود و در آن‌جا با دختر شاه پریان مواجه می‌شود. دختر و ملک‌جمشید به هم دل می‌بازند؛ ولی چون پسر پادشاه چین نیز دلباخته دختر است با کمک جادوگر مخصوص پسر پادشاه چین، دختر از ملک‌جمشید جدا می‌شود. دختر برای اینکه دست جادوگر به ملک‌جمشید نرسد به او عطر بیهوشی می‌زند و او را در قلعه مخفی می‌کند. بعد از مدتی ملک‌خورشید، برادر ملک‌جمشید، متوجه گم شدن ملک‌جمشید می‌شود، به همین دلیل به دنبال او می‌رود و او را در قلعه‌ای بیهوش پیدا می‌کند. در همین حال جدال دو گنجشک توجه ملک‌خورشید را جلب می‌کند. یکی از گنجشک‌ها سرش کنده می‌شود، گنجشک دیگر با پری سر او را به بدنش می‌چسباند و زنده می‌شود. ملک‌خورشید نیز با همان برگ، ملک‌جمشید را به هوش می‌آورد (درویشیان و خندان، ۱۳۸۲: ۲۸۲/۱۴ - ۲۹۳).

خویشکاری گنجشک در این افسانه متأثر از خویشکاری کلاغ در داستان هابیل و قابیل است؛ چنان‌که در آیه ۳۱ سوره مائده کلاغی به قابیل آموزش می‌دهد چطور هابیل را دفن کند. این افسانه دو تفاوت عمده با داستان هابیل و قابیل دارد: نخست اینکه گنجشک به شخصیت داستانی روش زنده گردانیدن انسان را آموزش می‌دهد نه روش دفن انسان مرده را؛ دوم اینکه پرنده از کلاغ به گنجشک تغییر کرده است؛ به عبارت دیگر در این افسانه با وارونگی اسطوره روبه‌رو هستیم.

بن‌مایه‌های اسطوره‌ای مربوط به پرندگان ... سودابه کشاورزی و همکاران

گنجشک در افسانه‌های لری «روایت گنجشک»، «دان‌انار»، «جیکم جیکم سرگشته که کمر نگشته»، «گدول»، «درخت سیب» و افسانه «گنجشک و پیرمرد» شخصیتی مثبت دارد که به قهرمان افسانه نیز یاری می‌رساند.

گنجشک در افسانه‌های «دختر نظر کرده» از استان مازندران و «پیرزن» از شهرستان سروسن یاریگر قهرمان است.



۵. نتیجه

از مجموع ۱۴۰ افسانه لری در ۴۸ افسانه پرندگان به‌عنوان شخصیت داستانی حضور دارند که با تحلیل نقش و جایگاه پرندگان و تطبیق آن با باورهای اسطوره‌ای بدین نتیجه رسیدیم که کبوتر در ۳۲/۶۵ درصد افسانه‌ها، سیمرغ در ۱۸/۳۶ درصد، گنجشک در ۱۴/۲۸ درصد، کلاغ در ۱۲/۲۴ درصد، خروس در ۱۰/۲۰ درصد، عقاب در ۸/۱۶ درصد، قو و جغد در ۲/۰۴ درصد افسانه‌ها حضور دارد. خویشکاری مثبت و تقدسی که کبوتر در باورهای دینی دارد سبب شده است کبوتر بیشترین حضور را در افسانه‌های

لری داشته باشد تا جایی که باورهای اساطیری مثبتی که درباره پرندۀ اساطیری سیمرغ وجود داشته است به این پرندۀ نیز نسبت داده شود. این نکته نشان‌دهندۀ گسترش باورهای دینی در برابر باورهای اساطیری مربوط به پرندگان است. پرندگان در افسانه‌ها ۴ نقش ایفا می‌کنند که گاه نیز یک پرندۀ چندین نقش ایفا می‌کند. نقش‌های پرندگان عبارت‌اند از:

الف) یاریگری قهرمان افسانه: عقاب با پرورش قهرمان افسانه از دوران نوازدی به یاریگری قهرمان می‌پردازد و گاه نیز در نبرد با دیوان به پهلوان - قهرمان افسانه یاری می‌رساند. سیمرغ به‌عنوان نمادی از ایزد مهر در نقش یاریگر قهرمان افسانه در نبرد با اژدها درصدد گسترش نور و روشنایی است. کلاغ تحت تأثیر باورهای اساطیری یا آموزه‌های مهرپرستی به قهرمان افسانه برای رسیدن به آرزویش کمک می‌کند. کبوتر پرندۀ مقدس و دارای قدرتی مافوق طبیعی است و در نقش یاریگر قهرمان کارکرد نجات‌بخشی و هدایتگری قهرمان را دارد. خویشکاری قو با باورهای اساطیری مربوط به آتش بهرام گره خورده است و کارکرد او یاری رساندن به پهلوان - عاشق در نبرد با پادشاه ظالم است. گنجشک نیز در سختی‌ها به قهرمان افسانه کمک می‌کند، گاه نقش آن نیز متأثر از باورهای دینی درباره پرندۀ دیگری است.

ب) نبرد با نیروهای اهریمنی: عقاب در افسانه‌های لری متأثر از باورهای میتراپی با دیوان و تاریکی نبرد می‌کند. خروس (به‌عنوان نماد ایزد سروش) با دال (نماد ایزد مهر) در نابودی دیوها و نیروهای اهریمنی همکاری دارد. در افسانه‌های لری نیز مانند اساطیر به‌دلیل دشمنی و نبرد جغد با دیوان باورهای مقدسی پیرامون این پرندۀ وجود دارد به همین دلیل موجودات اهریمنی‌ای چون دیوان برای فریب دادن شخصیت‌های افسانه به پیکر جغدها درمی‌آیند.

ج) درمان‌بخشی: سیمرغ تحت تأثیر عقاید زرتشتی از ویژگی درمان‌بخشی بهره‌مند است و پر او خاصیت جادویی دارد. عقاب نیز متأثر از سیمرغ و مرغ وارغن دارای کارکرد درمان‌بخشی است. خاصیت درمان‌بخشی درخت آشیان سیمرغ نیز در افسانه‌های لری به کبوتر نسبت داده شده است.

بن‌مایه‌های اسطوره‌ای مربوط به پرندگان ... _____ سودابه کشاورزی و همکاران

د) **خبررسانی:** کبوتر متأثر از داستان‌های دینی به‌عنوان پرنده‌ای مقدس در افسانه‌های لری حضور دارد و تحت تأثیر داستان حضرت نوح (ع) پیک مخصوص خبررسانی است.

یافته‌های این پژوهش به محققان کمک می‌کند راحت‌تر اصول و قواعد سیر تحول بن‌مایه‌های اسطوره‌ای را دریابند.

پی‌نوشت

1. Motif

منابع

- آموزگار، ژاله (۱۳۷۴). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: سمت.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *زیر آسمانه‌های نور*. تهران: افکار.
- اکرمی، میرجلیل و مسعود دهقانی (۱۳۹۳). «نقد و بررسی تأثیر شعر غربی در شعر «مرگ قو»ی حمیدی شیرازی». *زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)*. د ۶۷. ش ۲۲۹. صص ۲۳-۴۲.
- امیدعلی، حجت‌اله و یوسف اصغری بایقوت (۱۳۹۶). «تحلیل و بررسی تصویر کبوتر در شعر خاقانی». *پژوهشنامه ادب غنایی*. د ۱۵. ش ۲۸. صص ۴۹-۷۶.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۱). *پژوهشی در اساطیر ایران*. چ ۴. تهران: آگاه.
- بیدمشکی، مریم (۱۳۸۳). «مهر به هفت‌خوان رستم». *کتاب ماه هنر*. ش ۷۵. صص ۱۲۵-۱۱۴.
- بیرانوند، زلیخا (۱۳۹۲). *افسانه‌ها و باورهای عامیانه درباره قلعه‌های لرستان با محوریت قلعه فلک‌الافلاک*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته زبان‌های باستان. شیراز: دانشگاه شیراز.
- پارسانسب، محمد و مهسا معنوی (۱۳۹۲). «تطور بن‌مایه «کلاغ» از اسطوره تا فرهنگ عامه». *فرهنگ و ادبیات عامه*. د ۱. ش ۱. صص ۷۱-۹۲.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۸۰). *فرهنگ ایران باستان*. چ ۱. تهران: اساطیر.
- _____ (۱۳۷۷). *یشت‌ها*. تهران: اساطیر.
- _____ (۱۳۸۰). *یسنا؛ بخشی از کتاب اوستا*. تهران: اساطیر.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۷، شماره ۲۷، مرداد و شهریور ۱۳۹۸

- تاج‌بخش، اسماعیل و آسیه فرجی قرقانی (۱۳۸۸). «کلاغ در ادب فارسی». تاریخ ادبیات. ش ۶۲. صص ۳۰-۴۶.
- تقوی، محمد (۱۳۷۶). حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی. تهران: روزنه.
- خواجه‌ی کرمانی، کمال‌الدین (۱۳۹۲). سام‌نامه. تصحیح وحید رویانی. تهران: میراث مکتوب.
- داد، سیما (۱۳۷۱). فرهنگ اصطلاحات ادبی: واژه‌نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی به شیوه تطبیقی و توضیحی. تهران: مروارید.
- دادگی، فرنّیغ (۱۳۶۹). بندهش. گزارنده مهرداد بهار. تهران: توس.
- درویشیان، علی‌اشرف و رضا خندان (۱۳۸۲). فرهنگ افسانه‌های مردم ایران. ج ۵ و ۱۴. تهران: کتاب و فرهنگ.
- _____ (۱۳۸۴). فرهنگ افسانه‌های مردم ایران. ج ۱۷. تهران: کتاب و فرهنگ.
- _____ (۱۳۸۶). فرهنگ افسانه‌های مردم ایران. ج ۱۹. تهران: کتاب و فرهنگ.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴). زبان و ادبیات عامه ایران. تهران: سمت.
- رضی، هاشم (۱۳۸۱). آیین مهر. تهران: بهجت.
- _____ (۱۳۸۵). ونیداد. تهران: بهجت.
- رویانی، وحید (۱۳۹۶). «سیمرغ در ادبیات عامیانه ایران». فرهنگ و ادبیات عامه. د ۵. ش ۱۶. صص ۸۹-۱۰۸.
- سرکاراتی، بهمن (۱۳۸۵). سایه‌های شکارشده. چ ۲. تهران: طهوری.
- _____ (۱۳۵۷). «پهلوان اژدرکش در اساطیر و حماسه ایران». شاهنامه فردوسی و شکوه پهلوانی: مجموعه سخنرانی‌های سومین جشن طوس. تهران: سروش.
- شریفیان، مهدی و رضا غفوری (۱۳۸۷). «بازتاب مهرپرستی در شاهنامه فردوسی». مطالعات ایرانی. ش ۱۴. صص ۱۳۱-۱۴۶.
- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۸۳). نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایران. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: چشمه.
- علوی، فریده (۱۳۸۶). «نماد پرنده در آثار شاعران فرانسوی قرن نوزدهم میلادی، با نگاهی به ادب فارسی». پژوهش زبان‌های خارجی. ش ۳۷. صص ۵۵-۷۰.

بن‌مایه‌های اسطوره‌ای مربوط به پرندگان ... _____ سودابه کشاورزی و همکاران

- قدمگاهی، نسرين (۱۳۸۳). «عقاب در اسطوره و ادبیات». *ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد*. ش ۱ و ۲. صص ۱۰۶-۱۲۶.
- _____ (۱۳۸۳). «باز در ادب و ادبیات». *ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد*. ش ۳ و ۴. صص ۸۶-۱۰۷.
- مقیسه، محمدحسن (۱۳۹۶). «سرودخوان قبیله بیداری؛ واکاوی نشان‌های پرندۀ سپندگون خروس در آسمان ادب پارسی». *اندیشه‌های ادبی*. س ۴. دورۀ جدید. ش ۱۲. صص ۹۷-۱۲۸.
- مولائی، چنگیز (۱۳۸۸). «سروش». *دانشنامه زبان و ادب فارسی*. به سرپرستی اسماعیل سعادت. ج ۳. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- نبی‌لو، علیرضا (۱۳۹۴). «بررسی تصاویر شعری بلبل در ادبیات فارسی». *نشریه ادب و زبان دانشگاه باهنر کرمان*. س ۱۸. ش ۳۷. صص ۲۳۵-۲۶۲.
- هینلز، جان راسل (۱۳۷۳). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمۀ ژاله آموزگار و احمد تفضلی. چ ۳. تهران: چشمه.
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۸). *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*. چ ۱. تهران: سروش.
- Anklesaria, B. T. (1956). *Zand-Akasiḥ*. Iranian or Greater Bundahishn: Bombay.
- Bartholomae, Ch. (1904). *Altiranisches Wörterbuch*. Strassburg: Verlag von Karl J. Trübner.
- Haug, M. & E. W. West (1971). *The Book Of Arda Viraf*. Amsterdam.

Mythical Contents of Birds in Luri's Myths

Soudābeh Keshāvarzi*¹ Zarin Tāj Varedi ² Mahmoud Rezāei
Dasht Arzhaneh³

1. Ph.D. Candidate in Persian Language and Literature – Shiraz University – Shiraz-Iran.
2. Associate Professor of Persian Language and Literature- Shiraz University – Shiraz-Iran.
3. Associate Professor of Persian Language and Literature- Shiraz University – Shiraz-Iran.

Received: 24/12/2018

Accepted: 22/06/2019

Abstract

Analyzing mythical content analysis of myths is one of the most important issues in the field of folk tales research. Birds are so important to humans in the distant past that they have been present even in the myths of different nations. In this research and by adopting the content –analysis research methodology, the authors have tried to investigate mythical content of birds among Luri's myths gathered around Chahārmahal and Bakhtiāri, Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad and Lorestan provinces. The objective of the current study is to analyze the functions of birds on the one hand and the manner the mythical beliefs can influence the birds' place on the other hand. In this research and in comparison with mythological beliefs, the authors have studied the reasons for the transformation of the roles of certain birds in Luri's myths. The results showed that out of a total of 140 Luri's myths in 48 myths, birds such as eagle, Simorgh, crow, owl, swan, pigeon and asparagus are present with positive functions among Luri's myths which may indicate their popularity among the people. It is worthwhile to mention that mythological and religious beliefs alongside the eco system exert the great influence on the place and function of the birds.

Keywords: Folk literature; Luri's myths; Myth; Content; Birds.

*Corresponding Author's E-mail: sodabekeshavarzi@gmail.com